

## عبدالرحمن کواکبی، عالمی اصلاح‌گر و استبدادستیز

### عزالدین رضائزاد\*

چراغ هدایتی که عالمان دینی در طول تاریخ به دست گرفته‌اند، درخششی فراگیر داشته است. آنها همواره تلاش کرده‌اند جامعه بشری را اصلاح کنند و با استبداد و دیکتاتوری مبارزه نمایند. در قرن سیزدهم، شاهد یکی دیگر از مصلحان هستیم که با سعی وافر به تبیین هم‌زیستی مسالمت آمیز توده مردم و هم‌بستگی طبقات مختلف پرداخت. در این نوشتار، گزارشی اجمالی از این عالم اصلاح‌گر و استبدادستیز ارایه می‌گردد.

### ۱. ولادت

در سال ۱۲۷۱ هجری قمری (۱۸۵۴ میلادی) در شهر حلب سوریه در خانه علم و ادب و در میان خانواده‌ای محترم که از حیث نسب به امام علی علیه السلام می‌رسند، از پدری به نام احمد بن محمد بن مسعود کواکبی و مادری به نام عقیفه فرزند مسعود آل نقیب (که دختر مفتی شهر انطاکیه در سوریه بود) فرزندی به دنیا آمد که وی را عبدالرحمن نام نهادند.

### ۲. تحصیلات

آموزش را از کودکی شروع کرد. وی که هنوز شش بهار از عمرش نگذشته بود، مادرش را از دست داد و خاله‌اش صفیه وی را با خود به انطاکیه برد و تا سه سال عهده دار تربیتش گردید. وی در نه سالگی به حلب برگشت تا نزد شیخ طاهر کلزی به فراگیری علوم بپردازد. پس از آن که خواندن و نوشتن را فراگرفت و قرائت قرآن و حفظ آن را تمام کرد، نزد خاله‌اش برگشت تا او مراقب پیشرفت

\* استادیار، مدرس حوزه و دانشگاه، عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

علمی وی باشد. خاله‌اش از شخصیتی چون «نجیب نقیب» کمک گرفت تا ترقی و تعالی عبدالرحمن دو چندان شود.

وی پس از فراگیری علمی چند به حلب برگشت و با درخششی که در فراگیری علوم داشت به تحصیل شریعت، ادبیات، علوم طبیعی و ... در «المدرسة الكواکبية» که مدرسه‌ای دینی بود، پرداخت. در این سال‌ها، پدرش و عده‌ای از دانشمندان بزرگ در حلب، به امر تدریس او و اشراف بر کار وی پرداختند.

وی به آموزش‌های مدرسه‌ای اکتفا نکرد بلکه افق‌های علمی‌اش را با استفاده از ذخایر کتابخانه کواکبی - که دربردارنده نسخه‌های خطی قدیمی و جدید و اولین دوره‌های چاپ کتب است - گسترش داد و توانست اطلاعات خوبی در علوم سیاسی و اجتماعی و تاریخ و فلسفه و غیره به دست آورد.

### ۳. همکاری با مطبوعات

عبدالرحمن کواکبی زندگی‌اش را با مقاله نویسی برای مطبوعات آغاز کرد. وی در سن ۲۲ سالگی به عنوان یکی از اعضای هیئت تحریریه نشریه «الفرات» که به دو زبان عربی و ترکی در حلب صادر می‌شد، تعیین گردید. مقاله‌های او که به افشای فساد و تبهکاری حاکمان می‌پرداخت، مایه شهرت وی گردید. بنا به گفته سعد زغلول (نوه عبدالرحمن کواکبی) وی حدود دو سال در نشریه رسمی «الفرات» به کار اشتغال داشت. در این ایام احساس می‌کرد که کار در نشریات رسمی مانع روشن‌گری افکار عمومی و پخش اخبار صحیح است؛ چون این نوع جراید و نشریات در مسیر اهداف قدرت حاکم حرکت می‌کنند. از این رو وی مصلحت دید که روزنامه‌ای ویژه نشر دهد؛ به همین جهت در سال ۱۸۷۷ نشریه‌ای به نام «الشهباء» را (که اولین نشریه عربی در حلب بود) راه‌اندازی کرد و جهت اخذ مجوز انتشار، آن را به نام یکی از دوستانش به ثبت رسانید. اما حاکم وقت (آقای کمال پاشا) نتوانست جرئت نقد و انتقاد وی را تحمل کند و در نتیجه - تنها پس از صدور ۱۵ شماره از آن - به تعطیلی آن مبادرت ورزید.

عشق به روزنامه نگاری و مقاله نویسی سبب شد که وی مبارزه قلمی‌اش را ضد دیکتاتوری ادامه دهد و از این رو در سال ۱۸۷۹ به اسم دوست دیگرش، نشریه‌ای هم پایه نشریه «الشهباء» با عنوان «اعتدال» راه‌اندازی کرد، اما آن هم چند صباحی بیشتر دوام نیاورد و توسط شریف پاشا، توقیف شد. وقتی دو نشریه به تعطیلی کشانده شد، وی به آموختن حقوق پرداخت، به گونه‌ای که با رشد علمی قابل تحسین، به عضویت دو انجمن (مالی) اقتصادی و معارف عمومی (در شهر حلب

سوریه) درآمد و پس از آن به عنوان عضو افتخاری کمیته (یا کانون) ممتحنین وکلای شهر حلب برگزیده شد.

وی پس از آن که دریافت حکومت در برابر نظریه‌ها و نقشه‌های علمی و مطبوعاتی‌اش موضع گیری می‌کند و مانع از عملکرد مثبت وی می‌شود، از کارهای سابق دست کشید و دفتر وکالت در نزدیکی خانه‌اش در حلب، افتتاح کرد تا در آن از اقشار مختلف مردم حمایت کند و به خاطر کمک به ستم‌دیدگان (بدون هیچ چشم داشت به امور مادی) آوازه او در شهر پیچید تا جایی که به «پدر مستضعفان» لقب گرفت.

کواکبی در استان حلب به مناصب مختلفی دست یافت، از جمله: مدیریت رسمی چاپخانه «الولایة»، ریاست افتخاری کمیته مشاغل عمومی در حلب و ریاست شهرداری حلب در سال ۱۸۹۲

و ...

#### ۴. مبارزه علمی و عملی با دیکتاتوری

کواکبی از نوشتن علیه حکومت و حاکمان ستمکار دست بردار نبود، از این رو از سوی حکومت عثمانی در حلب مورد فشار و بازخواست قرار گرفت تا جایی که نتوانست زندگی در کشورش را تحمل کند و در سال ۱۳۱۶ه.ق/۱۸۹۹م مخفیانه به کشور مصر مهاجرت کرد. وی به کشورهای آسیایی از قبیل هند، چین و سواحل شرق آسیا و نیز سواحل آفریقا (که تحت حکومت مستقیم سلطان عبدالحمید نبود) مسافرت کرد و بالاخره در مصر، بر شهرتش افزوده شد و عده زیادی به شاگردی از وی پرداختند و او در ردیف عالمان بزرگ زمان خود قرار گرفت.

کتاب «طبائع الاستبداد و مصارع الاستعباد» برترین و معروف ترین کتاب تألیفی کواکبی است. وی در این کتاب از تاریخ زشت دوران استبداد و دیکتاتوری پرده برداشت.

در سفرهایی که انجام داده است به روشن‌گری و ترویج افکار دینی و اصلاحات جامعه بشری پرداخته است. در دیدگاه او، منشأ همه عقب افتادگی‌های جهان اسلام، حکومت‌های مستبد و دیکتاتوری‌اند و راه نجات از وضعیت جاری، جز مبارزه و جهاد نیست. کتاب مذکور در پیچه‌های خوبی را به روی مصلحان و روشن‌فکران گشوده است. می‌گویند: استاد شهید حسن البنا با الهام گرفتن از کتاب طبائع الاستبداد، به پایه‌گذاری «جمعیت اخوان المسلمین» پرداخت.

نگاه ژرفی که کواکبی نسبت به مسایل جاری جهان اسلام داشت، وی را در شمار اصلاح‌گران عصر حاضر قرار داده است.

## ۵. سلطنت‌های مستبد

برای آگاهی بیشتر از نقش عبدالرحمن کواکبی در اصلاح جامعه، گزارشی به اجمال از دیدگاه وی درباره سلطنت‌های مستبد ارایه می‌گردد.

استبداد در لغت به این معنا است که شخص در کاری که شایسته مشورت است بر رأی خویش اکتفا نماید. اما هرگاه استبداد را به طور اطلاق ذکر نمایند، استبداد فرمانروایان را اراده کنند، زیرا فرمانروا قوی‌ترین عامل برای بدبختی آدمیان است و برای فرمانروایی رؤسای بعضی مذاهب یا بعضی طوایف یا اصناف به طور مجاز وصف استبداد به کار برند.

مراد از استبداد در اصطلاح سیاسیون، تصرف کردن یک نفر یا جمعی در حقوق ملتی بدون ترس بازخواست است. استبداد، صفت حکمرانی مطلق العنان است که در امور مردم هرگونه که خود می‌خواهد، تصرف می‌کند، بدون ترس و بیم از حساب و عقاب.

منشأ استبداد آن است که حکمران مکلف نیست تصرفات خود را با شریعت یا با قانون، یا با اراده ملت مطابق سازد.

صفت استبداد، هم‌چنان که شامل سلطنت و حکمرانی فرد مطلق العنانی است که با غلبه یا از طریق ارث متولی سلطنت گردیده، شامل حکمرانی فرد مقیدی نیز هست که به ارث یا به انتخاب، سلطنت یافته، اما کسی از او حساب نمی‌خواهد، و نیز شامل حکمرانی جمعی است، اگرچه منتخب باشند؛ زیرا اشتراک در رأی دفع استبداد نمی‌نماید، جز این که آن را فی الجمله تخفیف دهد و چه بسا حاکمیت گروهی، سخت تر و مضرتر از استبداد یک نفر باشد. هم‌چنین شامل سلطنت مشروطه‌ای است که قوه شریعت و قانون از قوه اجرای احکام در آن جدا باشد، زیرا این نیز استبداد را از بین نبرده و تخفیف نمی‌دهد، مادامی که اجرا کنندگان در نزد قانون گزاران مسئول نباشند و قانون‌گزاران خود را نزد ملت مسئول ندانند و ملت نیز نداند چگونه مراقب ایشان باشد و از آنان حساب بخواهد.

خلاصه آن چه ذکر شد آن است که سلطنت از هر قسمی که باشد تا وقتی که تحت مراقبت شدید و محاسبه بی مسامحه نباشد از وصف استبداد خارج نمی‌شود.

یکی از امور مقرر آن است که هر سلطنت عادلانه‌ای چون از مسئولیت و مؤاخذه به واسطه غفلت ملت یا غافل ساختن ایشان ایمن گردد، با شتاب جامه استبداد پوشد و چون زمانی بر آن بگذرد دیگر او را از دست ننهید، مادامی که دو قوه هولناک ترساننده در خدمت او باشند و مراد از آن دو قوه یکی نادانی ملت و دیگری سپاه منظم است. (ر.ک: طبایع الاستبداد، نسخه اینترنتی سایت حوزه:

(www.hawzah-net).

## ۶. ضرورت آگاهی سیاسی برای مبارزه با استبداد

عبدالرحمن کواکبی مانند سید جمال، آگاهی سیاسی را برای مسلمانان واجب و لازم می‌شمرد و معتقد بود «آگاهی سیاسی‌ای که مثلاً مشروطه باشد یا چیز دیگر به تنهایی قادر نیست جلو استبداد را بگیرد. هر رژیم می‌تواند شکل استبداد پیدا کند، و در نهایت، آن چه می‌تواند جلو استبداد را بگیرد، شعور و آگاهی سیاسی مردم و نظارت آنها بر کار حاکم است. وقتی چنین شعور و احساس و آگاهی‌ای در توده مردم پیدا شد، ازدهای سیاه استبداد در بند کشیده می‌شود. البته این به آن معنا نیست که نباید به رژیم کار داشت و رژیم هرگونه بود، بود. بلکه به این معنا است که از بین بردن استبداد مقید به بالا رفتن سطح شعور سیاسی مردم است. از این رو کواکبی مانند سید جمال معتقد بود که باید شعور سیاسی را با استمداد از شعور دینی مردم بیدار کرد.

کواکبی به هم‌بستگی دین و سیاست سخت پای‌بند بود و دین اسلام را یک دین سیاسی می‌دانست. وی معتقد بود که اگر توحید اسلام درست فهمیده شود و مردم مفهوم حقیقی کلمه توحید، یعنی لا اله الا الله، را درک کنند به سنگرهای ضد استبدادی دست می‌یابند. دین، عرصه سیاسی را با ربط دادن میان معاد و معاش و زندگی و معنویت باز می‌گذارد و در این میان، مستبدان از علوم همانند حکمت نظری، فلسفه عقلی، سیاست مدنی و حقایق تاریخی و غیر اینها که ابرهای جهل را پراکنده می‌کند، بیم دارند. در کنار آگاهی سیاسی، وحدت و هم‌بستگی مسلمانان با یک‌دیگر نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت مسلمانان و تصمیم‌گیری سیاسی خواهد داشت.

## ۷. تألیفات

کواکبی کتاب‌های قابل توجهی را تألیف کرد. برخی از تألیفات وی عبارت است از: طبائع الاستبداد، ام القرى، العظمة لله، صحائف قریش و ... و نیز دست نوشته‌های چاپ نشده. ضمن این‌که دفتر خاطرات وی نیز گم شده و از آن خبری در دست نیست.

## ۹. وفات

پس از گذشت سه ماه از سفر شش ماهه کواکبی به برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی، وی در شبانگاه پنج شنبه ۱۴/۶/۱۹۰۲م. مطابق با ربیع الاول سال ۱۳۲۰ هجری قمری، به قولی به واسطه خوراندن سم به او، از دنیا رفت و با مخارج خدیوی عباس در مقبره باب‌الوزیر دفن شده و سپس طی یک مراسم دینی، خاک قبرش به قبرستان ویژه مردان بزرگ در آخر خیابان عقیفی انتقال داده شد.

عبدالرحمن کواکبی از صفات پسندیده اخلاقی برخوردار بود به گونه‌ای که همه کسانی که وی را می‌شناختند از او به نیکی و بزرگواری یاد نموده‌اند و شاگردان و عالمان زمانش در سخنرانی‌ها، مقالات و نوشته‌های علمی و اخلاقی از اخلاق پسندیده وی سخن گفته‌اند. نمونه‌هایی از این اظهارات را می‌توان در سخنان شیخ عبدالحمید جابری، شیخ رشید رضا، دکتر اسعد کواکبی، ابراهیم سلیم نجار، محمد کرد علی، علی فکری و ... ملاحظه کرد.

یکی از شاعران، به نام حافظ ابراهیم، در روز دفن وی در کنار قبرش شعر زیر را سروده است که بعدها روی سنگ قبرش نوشته شد:

هنا رجل الدنيا هنا مهبط التقى  
هنا خير مظلوم هنا خير كاتب  
قفوا واقروا أم الكتاب و سلموا  
عليه فهذا القبر قبر الكواکبي

این‌جا مرد دنیا خوابیده، جایی که محل فرود پرهیزکاری و بهترین مظلوم و نویسنده است. بر سر این قبر بایستید و فاتحه‌ای قرائت کنید و بر وی سلام بفرستید که این قبر، قبر کواکبی است. (عبدالرحمن الكواکبي، رجل الكفاح والاصلاح، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

### منابع و مأخذ:

- ۱- رافق، عبدالکریم، المشرق العربی فی العهد العثماني، جامعة الدمشق، چاپ پنجم.
- ۲- کواکبی، عبدالرحمن، سیرة ذاتية، دار بیسان، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۸م.
- ۳- \_\_\_\_\_، رجل الكفاح والاصلاح، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران،

۱۳۸۶.

4. <http://www.geocities.com/handase/28.htm>.
5. <http://www.afdhl.com/islamic/show.php?id=589>.
6. <http://www.al-fateh.net/arch/fa-24/kawakibi.htm>.
7. <http://www.almujtamaa-mag.com/detail.asp?>

